

رکن قانونی جرم عقیم در حقوق ایران

ناصر قاسمی¹، مهدی مهدوی زرگر²، سعید جهان بین³

1: عضو هیات علمی دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری تهران، ایران

(dr.ghasemi76@gmail.com)

2: دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، ایران

(mehdi.mahdavizargar@gmail.com)

3: دانشجوی دوره دکتری حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه تهران، ایران

(saeed.jahanbin65@gmail.com)

چکیده

اقدام عقیم علی رغم ضرورت جرم انگاری با توجه به همانندی فلسفه ی جرم انگاشتن آن با شروع به جرم ، طی قانون گذاری های سابق علی رغم نظرات مخالف ، مورد جرم انگاری اعم از صریح یا ضمنی واقع نگردیده بود. علی رغم برخی نظرات مبنی بر عدم جرم انگاری اقدام عقیم در قانون گذاری جدید به نظری رسد مقنن سال 92 با توجه به خلاء موجود و ضرورت دفاع از اجتماع در مقوله اقدامات عقیم با تغییر متعمدانه در عبارات به کار رفته در مفاد قانون گذاری سال 52 اقدام به جرم انگاری این امر نموده است. این اقدام مقنن مربوط به تغییر متعمدانه عبارت (مانع خارجی که اراده ی فاعل در آن مدخلیتی نداشته است) به (عامل خارج از اراده) بوده است. فلذا رکن قانونی جرم عقیم را در قانون جدید مجازات اسلامی 1392 فقط در حقوق ایران شاهد هستیم.

کلمات کلیدی: جرم عقیم، شروع به جرم، عامل خارج از اراده ، مانع خارجی

Legislatory basis of frustrated crime

Abstract

In spite of the necessity of criminalization of frustrated action due to its sameness philosophy in criminalization with attempts , during previous legislation in spite of opposite opinions, it had not been criminalized neither explicit nor implicit .in contrast with some opinions that believe it has not been criminalized in recent legislation ,it seems that the year 92 legislator has done the criminalization in frustrated actions due to the present vacancy and the necessity of defense of community by intentionally changing in phrases used in the contents of the year 52 legislation. This act of legislator is related to intentional phrase-changing of (the external obstacle that the animus of the actor does not have effect on that) to

The phrase(the factor out of animus).so we can see the legislator basis of frustrated crime only in new penal law ,year 1392, in the law of iran.

Key words: Frustrated crime, attempt , the factor out of animus , external obstacle

مقدمه:

از حکمت های جرم انگاری شروع به جرم را می توان توجه به بروز حالت خطرناک مرتکب، تامین دفاع اجتماعی و پیشگیری آتی از جرم دانست. مشابه همین حکمت ها را هم می توان در مقوله اقدام عقیم شاهد باشیم با این تفاوت که در شروع به جرم اقدامات مرتکب در مرحله ی قبل از پایان متوقف گردیده لکن در بحث از اقدام عقیم مرتکب تا آخرین مرحله به اقدامات مجرمانه ی خویش ادامه داده لکن به واسطه ی عامل خارج از اراده به سبب عواملی چون عدم مهارت مقصود مورد نظر مرتکب اخذ نمی گردد. لذا در صورتی که حکمت های اشاره شده علل موجهه ی جرم انگاری شروع به جرم محسوب شوند به سبب اتمام عملیات در اقدامات بی بهره این حکمت ها بیشتر قابل توجیه تر می باشند.

سوال اصلی این تحقیق این است که با توجه به نمود بیشتر حالت خطرناک مرتکب در اقدامات عقیم نسبت به شروع به جرم و ضرورت تامین دفاع اجتماعی بهتر که اهمیت جرم انگاری اقدامات عقیم را بیشتر نمایان می گرداند و نبود چنین مقرره ای خود می تواند توالی فاسدی را سبب گردد ، با توجه به این حکمت ها آیا در حقوق ایران برای جرم عقیم شاهد رکن قانونی می باشیم؟ به نظر می رسد که قانونگذار حکیم نسبت به علل موجهه ی جرم انگاری اقدامات عقیم و حکمت های مذکور آگاهی داشته و قاعدتا اقدام به جرم انگاری عمل عقیم کرده و لذا دارای رکن قانونی جرم عقیم در تاریخ های مختلف قانونگذاری هستیم. جهت پاسخ به این پرسش و نیز تایید یا رد فرضیه فوق، در ابتدا مفهوم جرم عقیم مطالعه قرار گرفته و سپس به بررسی وجود رکن قانونی در خصوص جرم عقیم در قانون های مجازات عمومی 1304 و 1352 پرداخته و نیز قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی 1370 مورد تحلیل قرار خواهد گرفت. در نهایت امر، قانون جدید مجازات اسلامی 1392 در این خصوص مورد بررسی و تحلیل قرار خواهد گرفت.

1- مفهوم جرم عقیم

در بعضی موارد شخص با داشتن قصد مجرمانه و تهیه مقدمات شروع به اجرای جرم می کند و تمام کوشش خود را برای رسیدن به نتیجه به کار می گیرد ولی بنا به علی مانند نداشتن مهارت و یا دقت و یا حوادث غیر مترقبه نتیجه ای به دست نمی آورد مانند اینکه شخصی مواد آتش زا را در محلی به منظور ایجاد حریق و انفجار گذاشته و کافی است کبریتی روشن کند و روی آن بیاندازد تا انفجار صورت بگیرد. اتفاقا قبل از آنکه شعله ی آتش به مواد آتش زا سرایت کند و حریق روی دهد، باران می بارد و باروت رطوبت به خود گرفته و همین امر موجب رفع خطر می شود. صرف نظر از اشتراک جرم عقیم با شروع به جرم در این که بر خلاف جرم محال امکان وقوع جرم اصلی وجود دارد وجه مفارقت این دو مقوله در دو امر می باشد که در شروع به جرم مانع داخلی یا خارجی و مادی بوده و مانع یا عامل بعد از شروع عملیات اجرایی ظاهر می گردد اما در جرم عقیم عامل یا مانع وقوع جرم تام مربوط به خصوصیات و ویژگی ها یا تقصیر مرتکب است. در جرم عقیم مرتکب تا پایان مسیر مجرمانه را طی می کند و تمام تلاش خود را برای اتمام جرم اصلی انجام میدهد اما در شروع به جرم مرتکب در همان مرحله متوقف می گردد و امکان مسیر مجرمانه را نمی یابد (سبزواری نژاد، 1392، ص 261)

2- جایگاه جرم عقیم در قانون مجازات عمومی 1304 و 1352

ماده 20 قانون مجازات عمومی مصوب 1304 مقرر می داشت (هر گاه کسی قصد جنایتی کرده و شروع به اجرای آن نماید ولی به واسطه ی موانع خارجی که اراده ی فاعل در آن مدخلیتی نداشته قصدش معلق یا بی اثر بماند و جنایت منظوره واقع نشود مرتکب به حداقل مجازاتی که بنفس جنایت مقرر است محکوم خواهد شد و اگر مجازات جنایت اعدام باشد مرتکب به حبس غیر دائم با مشقت محکوم می شود) که مشابه همین مقرره نیز دقیقا در قانون مجازات عمومی مصوب 1352 صرف نظر از مورد تعیین کننده ی کیفر وجود داشت.

در خصوص این که ماده مذکور به گونه ای جرم عقیم را نیز همانند شروع به جرم مورد جرم انگاری قرار داده است یا نه ابهام و تردید وجود دارد. عمده محل تردید مربوط به عبارت (موانع خارجی که اراده ی فاعل در آن مدخلیتی نداشته) می گردد. زیرا جرم عقیم عوامل منتسب به شخص را همانند عدم مهارت و عدم دقت را در بر می گیرد و در جرم عقیم بحثی از موانع خارجی مطرح نیست (ره دار پور، چنگایی، 1390، ص 69) و موانع خارجی منصرف از مواردی است که گرچه اراده ی

فاعل در آن مدخلیتی ندارد لکن مربوط به عامل خارج از مرتکب نمی باشد به عبارت دیگر گاه اتفاق می افتد که عدم حصول نتیجه به دلیل عدم مهارت مرتکب است. مانند عدم اصابت گلوله به مجنی علیه در اثر عدم مهارت و چون عدم مهارت یک عامل داخلی است و نه خارجی پس مشمول ماده مذکور نمی گردد علاوه بر آن با توجه به اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی اعمال مجازات در مورد جرم عقیم خالی از اشکال نیست (صانعی، 1371، ص 293)

در مقابل نظر فوق می توان گونه ابراز داشت که منظور از موانع خارجی، آن دسته از موانعی است که خارج از اراده متهم قرار داشته باشد و چون عدم مهارت نیز یکی از موانعی است که خارج از اراده ی متهم است لذا هیچ مانعی برای تعقیب و مجازات جرم عقیم وجود ندارد

زیرا معلق ماندن و بی اثر ماندن یکی نیست و مترادف نیست بلکه نظر به اقدامات مجرمانه بی بهره داشته است. (محسنی، 1375، ص 191)

عده ای دیگر را نیز نظر بر این است که شروع به جرم و جرم عقیم از کلمه (معلق) و جرم محال از کلمه ی (بی اثر) قابل استنباط می باشد (اخوت، 1385، ص 138). البته به نظر می رسد جرم عقیم بیشتر از کلمه ی بی اثر بماند قابلیت تصور را دارد.

لکن به نظر می رسد اندراج عبارت موانع خارجی مانعی برای تحقق تعریف مورد نظر از جرم عقیم بوده باشد. زیرا گرچه عواملی چون بی دقتی و عدم مهارت از افراد عوامل خارج از اراده ی مرتکب محسوب می گردند لکن برابر دانستن این نوع از عوامل با موانع خارجی نمی تواند صحیح به نظر برسد. زیرا مقنن موصوف به نظر می رسد مقصودش از موانع خارجی عواملی بوده باشد که جنبه ی مادی و عینی داشته و در خارج از تمامیت نفسانی و جسمانی مرتکب رخ داده باشند و از آن جهت به استعمال موانع خارجی روی آورده است. نیز گرچه عبارات معلق ماندن و بی اثر ماندن دارای ترادف نمی باشند به سبب عدم اصطیاد معنای جرم عقیم از عبارت ابتدایی ماده همچون موانع خارجی و در نتیجه عدم تحقق ماهیت جرم عقیم الحاق عبارت بی اثر بماند قابلیت ایجاد جرم عقیم را به واسطه ی فقدان جزء اول ندارد و لذا در این خصوص این ماده از جهت جرم عقیم منقوص است. علاوه بر این که چه بسا در شروع به جرم نیز بتوان برای عبارت بی اثر بماند مصداقی یافت. فلذا گرچه جرم انگاری جرم عقیم واجد توجیه می باشد لکن مقررهای قوانین 1304 و 1352 فاقد عنوان جزایی برای جرم عقیم بوده اند.

3- جایگاه جرم عقیم در قانون راجع به مجازات اسلامی

ماده 15 قانون موصوف مقرر می دارد که (هر کس قصد ارتکاب جرمی بنماید و شروع به اجرای آن نماید ولی به واسطه ی موانع خارجی که اراده فاعل در آن مدخلیتی نداشته قصدش معلق بماند و جرم منظور واقع نشود چنانچه عملیات و اقداماتی که شروع به اجرای آن کرده جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود و الا تادیب خواهد شد)

همانگونه که در ماده مذکور علاوه بر نقص در خصوص مطلق تعیین کیفر در مقوله شروع به جرم با توجه به ماده 18 آن قانون وجود دارد که به نوعی از کارایی ماده می کاهد (دلیر، 1371، ص 117). در خصوص این ماده عده ای را نظر بر این است که حتی با وجود حذف بی اثر بماند باز از جمله ی (موانع خارجی که اراده فاعل در آن مدخلیت نداشته)) نیز استنباط قابل مجازات بودن جرم عقیم امکان داشت زیرا هر چند جرم عقیم موانع خارجی شده که این موانع خارجی از طرف برخی حقوقدانان به این تعبیر شده که در جرم عقیم تحقق نتیجه مجرمانه معلول عدم مهارت شخص است نه یک عامل خارجی ولی می توان عدم مهارت شخص را گاهی عاملی خارج از اراده ی انسان دانست زیرا وابسته به اراده ی شخص نیست بلکه به نوع استفاده از وسیله مربوط می شود امر مادی و ناشی از تجربه انسان است (نوربها؛ 1385، ص 238)

لکن به نظر می رسد استدلال فوق تمام نباشد. در خصوص اینکه این قانون در مورد اقدامات عقیم اقدام به جرم انگاری کرده است یا خیر تردیدی در عدم جرم انگاشتن اقدامات عقیم به نظر نمی رسد. نیز در مثال استدلال فوق عدم مهارت عامل خارج از اراده می باشد و نه مانع خارجی. تبادری که از مانع خارجی به ذهن می رسد همانا مانعی می باشد که منصرف از مرتکب می باشد. نیز دقیقاً در این ماده علاوه بر صراحت در استعمال موانع خارجی که منصرف از عوامل منتسب به شخص

مرتکب است عبارت بی اثر بماند را که در قوانین جزای عمومی 1304 و 1352 موجود بود را حذف کرده است و لذا اگر وجود عبارت بی اثر ماند خود می توانست موجب شبهه ای در وجود جرم انگاری اعمال عقیم باشد توسط این عدم اندراج مقنن مندفع گردیده است.

گرچه در خصوص جرم عقیم از نظر قصد مجرمانه و سایر اقداماتی که انجام می دهند از نظر ماهوی با کسی که مبادرت به شروع به جرم می کند فرقی ندارد فلذا منطقی نیست که این مرتکبین را قابل مجازات ندانیم. نیز مصالح اجتماعی و دفاع در مقابل خطرات احتمالی این گونه اعمال لزوم عکس العمل مناسب با رفتارهای آنها را توجیه می کند. (شامبیاتی، ج 2، 1374، صص 170 و 171) لکن به سبب عدم اقتضای اصطیاد مفهوم جرم عقیم در قانون موصوف این قانون دارای نقص در این زمینه می باشد.

4- جایگاه جرم عقیم در قانون مجازات اسلامی 1370

ماده 41 قانون موصوف مقرر می داشت(هر کس قصد ارتکاب جرمی کند و شروع به اجرای آن نماید لکن جرم منظور واقع نشود چنانچه اقدامات انجام گرفته جرم باشد محکوم به مجازات همان جرم می شود)

بعضی را عقیده بر این است که گرچه عبارت (موانع خارجی که اراده فاعل در آن مدخلیت نداشته) موجود در ماده 15 قانون راجع به مجازات اسلامی ، تفسیر حاکی از وجود جرم انگاری عمل عقیم را از بین برده لکن مجازات جرم عقیم در حدی متصور است که مقدار عملیات انجام شده طبق ماده 41 همانند شروع به جرم ، جرم باشد(نورپها، 1385 ، ص 239) برخی را نظر بر این است که در مورد جرم عقیم ، اصل قانونی بودن جرایم و مجازات ها و امتناع از تفسیر موسع قوانین کیفری مانع از آن است که بتوان مقررات ماده 41 را به این قبیل جرایم که بزهکار تمام مساعی خود را به کار برده ولی نتیجه ای از تلاش خود حاصل نکرده است تسری داد(اردبیلی، 1387 ، ص 232)

به نظر می رسد مقنن در ماده 41 به هیچ عنوان اقدام به جرم انگاری عمل عقیم نکرده است. زیرا در این خصوص دچار تردید می باشیم و اصل تفسیر مضیق قوانین جزایی امکان توسعه را برای جرم دانستن عمل عقیم در ما نحن فیه ندارد

5- جایگاه جرم عقیم در ق.ج.م.ا

متن ماده 122 و تبصره آن ق.ج.م.ا به گونه ای تدوین یافته است که موجب بروز اختلاف نظر در خصوص این امر گردیده که آیا اقدامات عقیم در قانون مار الذکر مورد جرم انگاری واقع گردیده است یا اینکه با خلاء در این زمینه روبرو می باشیم.

نظر نخست بر این عقیده استوار است که تبصره ماده موصوف که اشعار می دارد: ((هر گاه رفتار ارتكابی، ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته ، به جهات مادی که مرتکب از آنها بی اطلاع بوده وقوع جرم غیر ممکن باشد ، اقدام انجام شده در حکم شروع به جرم است)) هم به جرم عقیم اشاره دارد و هم جرم محال. زیرا زمانی که رفتار ارتكابی شخص ارتباط مستقیم با ارتكاب جرم داشته و به جهات مادی که مرتکب از آنها بی خبر بوده وقوع جرم عقلا و منطقا یا عملا غیر ممکن باشد با تعاریف جرم محال و عقیم سازگار است.(ساکي، 1392 ، ص 202) لکن این نظر صحیح نمی تواند باشد زیرا در جرم عقیم عدم وقوع جرم به واسطه ی عدم مهارت و بی فکری مرتکب می باشد و معادل دانستن بی اطلاع بودن از جهات مادی با جرم عقیم بعید به نظر می رسد.

نظر دیگر بر این منهج استوار است که جرم عقیم در ق. ج. م. ا مصوب 1392 مورد جرم انگاری واقع نگردیده است و بدین گونه استدلال می کنند که ماده 122 موصوف ناظر به شروع به جرم بوده و تبصره ی همان ماده نیز ناظر به جرم محال می باشد. زیرا به عنوان مثال عدم مهارت و دقت لازم در تیر اندازی «به واسطه ی عامل خارج از اراده او» حاصل نشده بلکه معلول عدم مهارت بوده است. در خصوص تبصره ماده مذکور نیز انصراف از جرم محال دارد زیرا جهات مادی نیست که در تحقق نیافتن جرم موثر بوده بلکه بی تجربگی مرتکب عامل اصلی بی نتیجه ماندن تلاش های اوست. پس با توجه به لزوم قانونی بودن جرایم و مجازات ها و امتناع از تفسیر موسع قوانین کیفری در وضع کنونی مقررات کیفری حکم خاصی برای جرایم عقیم نمی توان یافت.(اردبیلی، 1392 ، ص 335) از مویدات این نظر نیز می توان به این مورد اشاره داشت که نهایتا

مرتکب اقدام عقیم دارای حالت خطر ناک بوده و در واقع جرمی اتفاق نیافتاده است فلذا مرتکب این نوع اعمال را باید به اقدام تأمینی و تربیتی محکوم کرد و نه مجازات و نیز جرم دانستن این گونه اعمال با فلسفه ی مبارزه صحیح با جرایم و مجرمین که اکثر کشورها ی پیشرفته جهان امروزه جهت آن حرکت می کنند منافات دارد. به همین جهت به جای اینکه جرایمی به تعداد جرایم تصریح شده در قانون بیافزاییم باید این گونه اعمال را از مصادیق جرم بودن خارج نموده و دامنه ی آن را بی جهت توسعه ندهیم. (شامبیاتی، ، 1392 ، ص 134)

نظر دیگری نیز صحیح تر می نماید. زیرا مقنن با هوشیاری عبارت ((به واسطه ی موانع خارجی که اراده فاعل در آن ها مدخلیتی نداشته)) در صدر ماده 20 ق. م. ع. مصوب 1352 را به عبارت ((عامل خارج از اراده او)) تغییر داده است. زیرا عوامل خارج از اراده اعم است از موانع خارجی و عوامل منتسب به شخص. چون آن قسمت از عوامل خارج از اراده که مربوط به موانع خارجی است منجر به تحقق شروع به جرم گردیده و آن قسمت از عوامل خارج از اراده که منتسب به شخص مرتکب است منجر به تحقق جرم عقیم می گردد (شمس ناتری، 1392 ، ص 272). در تکمیل استدلال نظر اخیر و رد استدلال گروه دوم باید افزود که قطعا عبارت ((عامل خارج از اراده او)) دارای اطلاق بوده و هر دو جانب شروع به جرم و جرم عقیم را شامل می گردد و نمی شود از اطلاق ماده چشم پوشی کرد. همان گونه که در مبحث اصول فقه آمده است اطلاق از صفات مفهوم است (عراقی، 1380، ص 511) و مفهوم نیز حجت می باشد. و چون عبارت مذکور اطلاق دارد ناگزیر از عمل به اطلاق می باشیم. نیز از مویدات استدلال اخیر الذکر بدین صورت است که درجه بزهکاری و خطرناکی مجرم در شروع به جرمی که به دلیل دخالت عامل خارجی ناتمام مانده با درجه خطرناکی وی در حالتی که جرم را کامل می کند یکسان است و ناتمام ماندن جرم وی را کاهش نمی دهد میان جرم تام و شروع به جرم تفاوتی وجود نخواهد داشت. (شکری ، 1386 ، ص 79) و لذا از اسباب موجه جرم انگاری شروع به جرم می تواند حالت خطرناک باشد گرچه سبب اصلی جرم دانستن اقدامات عقیم در ماده 122 ق. ج. م. ا نمی باشد و لذا در قلمرو مویدات می باشد. از دیگر مویدات تمسک به مفهوم اولویت می باشد بدین صورت که در شروع به جرم که مجرم اقدامات را به پایان نرسانده مستحق مجازات است در صورتی که در جرم عقیم مجرم مرتکب قطعا مرحله ای بیشتر از شروع به جرم انجام داده و چنانچه مقررات جداگانه ای برای مجازات این رفتار مجرمانه نباشد منطقا و عقلا نمی توان گفت که از دایره و شمول مقررات مربوط به شروع جرم خارج است (سبزواری نژاد ، 1392 ، ص 260) و لذا بنا به مفهوم اولویت باید قایل به جرم انگاری جرم عقیم در ق. ج. م. ا بود.

نتیجه گیری

- 1- با توجه به بررسی ها و تحلیل های صورت گرفته فرضیه ی اولیه ثابت نبوده و بر خلاف آن در قانون گذاری های سال های 1304 و 1352 و 1362 و 1370 که انتظار جرم انگاری اقدامات عقیم به سبب ضرورت تامین دفاع اجتماعی بهتر با توجه به حالت خطرناک مرتکب مورد جرم انگاری واقع نگردیده است.
- 2- علت عدم جرم انگاری اقدامات عقیم قوانین سال 1304 و 1352 به سبب استفاده از عبارت ((مانع خارجی که اراده ی فاعل در آن مداخلیت نداشته)) توسط مقنن بوده که مربوط به شروع به جرم می گردد و تسری به اقدامات عقیم به سبب عوامل منتسب به مرتکب که متمایز از موانع خارجی اند ندارند.
- 3- در قانون راجع به مجازات اسلامی نیز شاهد عدم جرم انگاری به واسطه ی استفاده از عبارت ((موانع خارجی)) در متن ماده قانونی هستیم.
- 4- در قانون مجازات اسلامی 1370 توجه به تفسیر مضیق قوانین کیفری امکان تفسیری موسع از عبارت (لکن جرم منظور واقع نشود) وجود ندارد و لذا بحث از جرم عقیم منتفی است.
- 5- در قانون جدید مجازات اسلامی با تغییر متعمدانه ی عبارات مندرج در قانون مجازات عمومی 1352 از عبارت ((موانع خارجی که اراده ی فاعل در آن مداخلیتی نداشته)) به عبارت (عامل خارج از اراده) شاهد جرم انگاری جرم عقیم می باشیم که مجازات شروع به جرم را دارا می باشد.
- 6- تنها رکن قانونی جرم عقیم در حقوق ایران در قانون جدید مجازات اسلامی 1392 فقط وجود دارد .

فهرست منابع و مآخذ

1- کتاب به زبان فارسی

- 1- اخوت ، محمد علی(1385)،تفصیل مسایل حقوق جزای عمومی،چاپ اول، انتشارات صابریون.
- 2-اردبیلی، محمد علی(1392)،حقوق جزای عمومی،جلد نخست،تهران،میزان.
- 3-اردبیلی،محمد علی(1387) ،حقوق جزای عمومی ،جلد اول،تهران، میزان.
- 4-ساکی،محمد رضا (1392)،حقوق جزای عمومی با لحاظ قانون مجازات اسلامی 1392،جلد اول،تهران،جنگل.
- 5- سبزواری نژاد،حجت(1392)،حقوق جزای عمومی مطابق با لایحه قانون مجازات اسلامی 1392،تهران،جنگل.
- 6- شامبیاتی ،هوشنگ (1374)، حقوق جزای عمومی، جلد2 ،چاپ پنجم ، تهران ، انتشارات ویستار.
- 7- شامبیاتی،هوشنگ(1392)،حقوق جزای عمومی بر اساس قانون مجازات اسلامی 1392،جلد دوم،تهران،مجد.
- 8- شمس ناتری،محمد ابراهیم(1393)،قانون مجازات اسلامی در نظم حقوقی کنونی،جلد اول،تهران،میزان.
- 9-محسنی،مرتضی(1375)،دوره حقوق جزای عمومی(کلیات حقوق)،جلد اول، تهران، دانشگاه شهید بهشتی.
- 10-محسنی،مرتضی(1375)،دوره حقوق جزای عمومی،جلد دوم،تهران، چاپ اول،گنج دانش.
- 11- صانعی ،پرویز(1371)،حقوق جزای عمومی، جلد اول،تهران، چاپ چهارم،گنج دانش.
- 12- نوربهارضا(1385)،زمینه حقوق جزای عمومی،تهران،گنج دانش.

2-مقالات

- 13- دلیر ، حمید(1371)، شروع به جرم در قانون راجع به مجازات اسلامی و قانون مجازات اسلامی ، مجله حقوقی دادگستری ، شماره3.
- 14- ره دار پور، حامد و چنگایی، فرشاد(1390)، بررسی شروع به جرم ، جرم عقیم و جرم محال در لایحه مجازات اسلامی با نگاهی به سیر قانونگذاری ، پژوهش نامه حقوق کیفری شماره 3 .

3-کتاب به زبان عربی

- 15- عراقی ،ضیاءالدین(1380)،الاصول،قم، نشر معالم اهل بیت.

4-پایان نامه و تقریر

- 16- شکری،شراه(1386)، مطالعه تطبیقی جرایم ناقص در حقوق ایران و انگلیس(شروع به جرم -عقیم - محال) ،پایان نامه کارشناسی ارشد،دانشگاه آزاد تهران مرکز.
- 17-شمس ناتری،محمد ابراهیم(1392)،تقریرات حقوق جزای عمومی، دوره دکتری،دانشکده حقوق، دانشگاه تهران (پردیس فارابی).